



پول توجیبی‌های من! ۳۲ میلیون وعده غذا فقط با ۵۰۰ تومان! همین حالا سفارش بدهید! خسرو داودی

بیا بید کمی فکر کنیم!

خیلی از بچه‌ها از پدر و مادر خود پول توجیبی می‌گیرند و با پول خود خوراکی می‌خرند. بعضی‌ها دوستانشان را هم مهمان می‌کنند. اکثر بچه‌ها از اینکه در جیبشان پول باشد و خودشان خرج کنند، لذت می‌برند. بعضی‌ها در روز یا هفته یا ماه یک مبلغ مشخصی می‌گیرند. بعضی‌ها هم بدون قاعده از پدر و مادر خود پول می‌گیرند و خرج می‌کنند. تعدادی از بچه‌ها هم شاید هیچ پولی با این عنوان از والدین خود نگیرند. شما چطور؟ آیا پول توجیبی می‌گیرید؟ چقدر؟ راستی غیر از پدر و مادر، افراد دیگری هم به شما پول می‌دهند؟ برای مثال، پدر بزرگ یا

مادر بزرگ؟ عمه، خاله، دایی یا عمو چطور؟

خب من در این مطلب فرض می‌کنم که هر دانش‌آموز بالاخره به گونه‌ای از والدین خود یا اشخاص دیگر پولی‌هایی می‌گیرد. هر بچه‌ای هم برای خودش قلکی درد و پول‌هایش را در آن جمع می‌کند. برای مثال، شاید عیدی‌هایش را نگه دارد و مدت‌ها به این فکر کند که با پول‌هایش چه چیزی بخرد. بعضی‌ها آرزوهای بزرگ‌تری دارند و باید خیلی صبر کنند و پول‌هایشان را جمع کنند تا شاید بتوانند آنچه را که علاقه دارند، بخرند. البته هستند کسانی که به این چیزها فکر نمی‌کنند و همه چیز برایشان مهمیست. هر وقت اراده کنند، از پدر و مادر پول

خب این فقط یک مثال بود برای اینکه شما متوجه شوید، با همین پول‌های اندک که می‌توانید از پول توجیبی خود کنار بگذارید، چه کارهای بزرگ و خوبی می‌شود انجام داد. شاید تعجب کنید چرا کاری که به همین سادگی به نظر می‌رسد، انجام نمی‌شود؟ یکی از دلایلی این است که ما هنوز باور نکرده‌ایم که با جمع شدن همین کارهای کوچک که در تعداد زیاد (مثل ۱۵ میلیون نفر دانش‌آموز) ضرب می‌شود، چه عده‌های بزرگی خلق می‌شوند. یکی دیگر از دلایل‌ها هم این است که هر کدام از ما به انجام کارهای کوچک ولی پیوسته و دنباله‌دار عادت نکرده‌ایم. مثلاً می‌توانیم عادت کنیم که به‌طور روزانه یا حداقل هفتگی، بخشی از پول توجیبی خودمان را به‌عنوان صدقه کنار بگذاریم تا این عادت بین دانش‌آموزان مدرسه به یک فرهنگ تبدیل شود. مهم نیست که در یک مدرسه چقدر پول جمع می‌شود و با آن پول چه کاری می‌شود کرد. مهم تبدیل شدن این سنت حسنه به یک فرهنگ و عادت عمومی است. مهم این است که دانش‌آموز ما دغدغه داشته باشد. به فکر هم‌نوعان و هم‌سن‌های خودش باشد. راستی برای این موضوع چه فکری کرده‌اید؟ آیا شما حاضرید به تنهایی بخشی از پول توجیبی خودتان را کنار بگذارید و برای امور خیر صرف کنید؟

کمی بیشتر فکر کنیم!

اگر شما حاضرید از پول توجیبی خودتان حتی به یک مقدار اندک بگذرید و آن را کنار بگذارید، شروع خیلی خوبی است، اما پایان کار نیست. باید به فکر باشید و دوستان دیگر مدرسه را هم با خود همراه کنید. از کلاس خودتان شروع کنید. بچه‌ها را جمع کنید و یک صندوق کوچک در کلاس ایجاد کنید. با هم قرار بگذارید، هر هفته هر کس هر مقداری که می‌خواهد (هر چند خیلی خیلی کم باشد) از پول توجیبی‌های خودش به این صندوق هدیه کنید. وقتی این کار در کلاس شما جا افتاد و بیشتر بچه‌ها مشارکت کردند، به همراه کردن بقیه کلاس‌های مدرسه خودتان فکر کنید. آن‌ها را هم تشویق کنید تا هر کلاس برای خودش یک صندوق درست کند. به کمک معلمان و مسئولان مدرسه این کار را در کل مدرسه توسعه دهید. اکنون صندوق مدرسه شما وضع بهتری دارد. پول بیشتری جمع‌آوری شده است و می‌توانید تصمیم بگیرید که با این صدقات جمع‌آوری شده، چه کارهای خیری انجام دهید. در این مورد با هم مشورت کنید و راه‌های ناب را بیابید. تلاش شما این باشد که گرهی هر چند کوچک از مشکلات خانواده‌های نیازمند باز کنید. امیدوارم در این راه خیر موفق باشید. مطمئن هستیم که اگر این حرکت را آغاز کنید، معلمان و والدین هم مشارکت می‌کنند و شما می‌توانید کارهای بزرگی انجام دهید. به امید اینکه هر مدرسه در کشورمان یک صندوق صدقه دانش‌آموزی داشته باشد و همه دست به دست هم بدهند و با مشارکت هم کارهای بزرگ‌تری انجام دهند.

می‌گیرند و آن‌ها هم هر چه بخواهند برایشان می‌خرند. شما از کدام دسته از دانش‌آموزان هستید؟ از اینکه از چه راهی چقدر پول به دست آورده‌اید، بگذریم. بیاید فکر کنیم که با این پول چه کارهایی می‌شود کرد. اگر همه دانش‌آموزان کشور با هم در یک پویش جدی شرکت کنند، چه کارهای بزرگی می‌توانند انجام دهند؟ برای مثال، آیا می‌توانند به خانواده‌های نیازمند کمک کنند؟ آیا این کار از عهده دانش‌آموزان برمی‌آید؟ اگر همه تصمیم بگیرند، در این کار خیر شرکت کنند، چه اتفاقی می‌افتد؟

بیاید محاسبه کنیم!

در حال حاضر، حدود ۱۵ میلیون دانش‌آموز در حال تحصیل هستند. آیا امکان‌پذیر است هر دانش‌آموز در هفته فقط ۵۰۰ تومان کنار بگذارد؟ من که هر چه فکر می‌کنم، نمی‌توانم مثالی پیدا کنم که با ۵۰۰ تومان بشود چیزی خرید! یک کیل کوچک معمولی یا یک کلوچه ۱۵۰۰ تومان است. یعنی ۵۰۰ تومان خیلی بی‌ارزش‌تر از آن است که نتوان تصور کرد که پرداخت آن از عهده یک دانش‌آموزی که مدرسه می‌رود، برنیاید. یک سال شامل ۵۲ هفته است، پس:

$$\text{تومان} \quad 52 \times 500 = 26000$$

مقدار این پول در یک سال

$$26000 \times 15,000,000 = 390,000,000,000$$

باورتان می‌شود؟! ۳۹۰ میلیارد تومان پول. به همین سادگی می‌شود جمع‌آوری کرد! اگر در شرایط فعلی بخواهیم یک وعده غذای گرم ساده تهیه کنیم، در حدود ۱۲۰۰۰ تومان باید هزینه کنیم. پس:

$$390,000,000,000 \div 12000 = 32,500,000$$

یعنی در حدود ۳۲ میلیون وعده غذا می‌شود. فرض کنیم هر شخص در هر روز فقط همین وعده غذا را دریافت کند:

$$\text{نفر} \quad 32,500,000 \div 365 \approx 89,041$$

پس با این مقدار پول می‌شود غذای یک وعده حدود ۸۹ هزار نفر را در یک سال تأمین کرد.

حالا فرض کنید در کشور ۸۰ میلیونی ما، حدود ۲ میلیون نفر نیازمند باشند به‌طوری که حتی نتوانند یک وعده غذا برای خود تهیه کنند:

$$2000,000 \div 89,000 = 22/47$$

یعنی اگر ما همان ۵۰۰ تومان را ۲۰ برابر کنیم، می‌شود هفته‌ای (۲۰ × ۵۰۰ = ۱۰۰/۰۰۰) تومان. پس می‌توانیم غذای تمام فقرا کشورمان در طول یک سال را تأمین کنیم.

برای خانواده‌هایی که فرزندانشان را به مدرسه می‌فرستند، هفته‌ای ۱۰ هزار تومان پول زیادی نیست. گمان می‌کنم همه از پس آن برمی‌آیند. به همین راحتی می‌توانیم کاری کنیم که هیچ فقیری در کشورمان گرسنه نماند.